نشریه فرهنگ و ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی
دوره پنجم، پاییز ۱۴۰۰، شماره سوم، صفحات ۳۲۶ تا ۳۳۳

دیدگاه

مبانی و مفاهیم پیشرفت اجتماعی

ابوالقاسم پوررضا*[1]

۱. *نویسنده مسئول: استاد گروه آموزش و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، abolghasemp@yahoo.com

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۲۷ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰

چکیده

زمینه و هدف: توسعه به مثابه عرصه‌ای برای رقابت بین کشورها و رتبه‌بندی آنها و تکامل به معنی حرکت به سوی کمال است. از منظر بعضی دیدگاه‌ها، مهم‌ترین مبانی الگوی پیشرفت در دنیای مدرن در سه مؤلفه انسان‌محوری، دنیامحوری، و علم‌محوری خلاصه می‌شود. نگاهی اجمالی به تحولات مفهومی و مبانی توسعه و پیشرفت، شاید بتواند در شفاف‌تر شدن مسیری که جامعه ما می‌خواهد در آن گام بگذارد و نیز در فراهم آوردن تسهیلاتی برای ساختار تصمیم‌گیری کلان کشوری، کمک کند.

روش: در این مقاله، با استفاده از مرور متون گسترده و منابع کتابخانه‌ای، به تحلیل مفاهیمی ازجمله تعاریف و نشانه‌های توسعه، الگوهای پیشرفت و توسعه و ارزش‌های حاکم بر الگوهای کلان توسعه و نیز پیامدهای بالقوه و بالفعل آنها پرداخته شده است.

یافته‌ها: از توسعه به لحاظ نظری و عملی تعاریف متعددی ارائه می‌شود. گاهی آن را در کاهش شکاف یا تضاد در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی، و زمانی در تبدیل قوه به فعل، و یا گسترش نظم و قاعده‌مندی و یا... تعریف می‌کنند. سه الگوی کلان توسعه عبارتند از الگوی توسعه سرمایه‌داری، الگوی توسعه سوسیالیستی و الگوی توسعه ایرانی اسلامی پیشرفت. الگوی توسعه پیشرفت سرمایه‌داری از زمان انقلاب صنعتی شکل می‌گیرد و پیامد آن، مصرف‌گرایی افراطی و ولخرجی متظاهرانه و آغاز سلطه بر طبیعت و انسان‌ها و تخریب محیط زیست است. الگوی توسعه سوسیالیستی، با انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ شکل گرفت و استبداد اولین و مستقیم‌ترین پیامد حاکمیت این الگوی توسعه بود. الگوی توسعه ایرانی اسلامی پیشرفت، از دهه ۱۳۹۰ هجری خورشیدی مطرح شد و پیامدهای بالقوه منظور شده برای آن، «پیشرفت در عرصه‌های تفکر، علم، زندگی، و معنویت» است.

نتیجه‌گیری: سازوکارهای متعددی برای ارتقا بهروزی جوامع طراحی شده است؛ اما یکی از مهم‌ترین آنها دموکراتیزه کردن محیط کار و ایجاد فضایی است که ضرورت احساس با ارزش بودن و مشارکت داشتن در محیط کار را القا کند. اما مهم‌تر و گسترده‌تر از این، توجه جدی به نظام توزیع عادلانه موهبت‌های اقتصادی و اجتماعی است که علاوه بر افزایش سطح بهروزی انسان‌ها، به کاهش جدی آسیب‌های اجتماعی نیز کمک می‌کند. گفتنی است که مطابق برخی مطالعات عمیق و گسترده، روان‌شناسی تکاملی انسان نیز نشان از تمایل کم‌وبیش ذاتی انسان به برابری و تعادل دارد.

کلید واژه‌ها: پیشرفت ـ جنبه‌های اجتماعی، توسعه اجتماعی

مقدمه

سلامت عمومی همواره به شدت سیاسی بوده است، از تأمین فاضلاب و قوانین هوای پاک گرفته تا مبارزه علیه انتشار آلاینده‌ها از خودروها در حال حاضر. همانگونه که پاتولوژیست آلمانی قرن نوزدهم رودولف ویرچو (Rudolf Virchow) گفته است «پزشکی یک علم اجتماعی است و سیاست هیچ چیز جز پزشکی در سطح کلان نیست».

توسعه به مثابه عرصه‌ای برای رقابت بین کشورها و رتبه‌بندی آنها، امروزه به یک بت بدل شده است و در ظاهر هیچ کشور و هیچ ملتی را از آن گریزی نیست. بنیان‌های اصلی توسعه جوامع به لحاظ تاریخی به پدیده بسیار شگفت‌انگیز انقلاب صنعتی در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ می‌رسد که پیامدهای آن حتی امروزه نیز در بسیاری از وقایع و فرایندهای کلان جهانی به‌طور پیدا و پنهان به چشم می‌خورد. نگاهی اجمالی به تحولات مفهوم و مبانی توسعه و پیشرفت، شاید بتواند در شفاف‌تر شدن مسیری که جامعه ما می‌خواهد در آن گام بگذارد و نیز در فراهم آوردن تسهیلاتی برای ساختار تصمیم‌گیری کلان کشوری، کمک کند.

از آنجا که مفاهیم کلانی نظیر توسعه و پیشرفت، همواره در معرض برداشت‌ها و تعبیرها یا سوءتعبیرهای متعدد قرار دارند و گاه ابهاماتی در سطوح و ابعاد آنها، چه از جانب طراحان و چه از سوی مجریان، به چشم می‌خورد، در این مقاله برآنیم که با بررسی تحولات در رویکردها و سنجه‌های توسعه، فرایند توسعه، تعاریف و نشانه‌ها، و الگوهای پیشرفت و

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-06]

توسعه به واکاوی این مقوله مهم در حیات انسانی بپردازیم و در نهایت پیامدهای الگوهای متفاوت توسعه و راهکارهای ارتقای بهروزی جوامع را به اختصار و براساس یافته‌های پژوهش‌ها عرضه کنیم.

روش

این یک مطالعه مروری عمیق است. در این مقاله، با استفاده از مرور متون گسترده و منابع کتابخانه‌ای، به تحلیل مفاهیمی ازجمله تعاریف و نشانه‌های توسعه، الگوهای پیشرفت و توسعه و ارزش‌های حاکم بر الگوهای کلان توسعه، و نیز پیامدهای بالقوه و بالفعل آنها پرداخته شده است. انتخاب چارچوبی واحد برای تحلیل الگوهای توسعه برای پیشگیری از تورش احتمالی مورد توجه بوده و منابع داخلی و خارجی، به‌ویژه آثار اندیشمندان مطرح در این حوزه بیشتر مورد عنایت بوده‌اند.

یافته‌ها

تحول در رویکردها و سنجه‌های توسعه

توسعه همانند هر پدیده دیگری که به دنیا می‌آید و گام بر ذهن و حیات انسان می‌گذارد، مشمول قانون جهان شمول تکامل می‌شود. به‌کارگیری واژه تکامل به معنی حرکت به سوی کمال از دیدگاه بعضی از اندیشمندان مورد نقد قرار گرفته است. به نظر این گروه، در زندگی و جهانی که معنی خود را در پویایی، حرکت و تغییر می‌یابد، چیزی به نام کمال که نوعی ایستایی و رسیدن به نقطه‌ای پایانی را تداعی می‌کند نمی‌تواند وجود داشته باشد و وجود هم ندارد. لذا بهتر است به جای تکامل از تطور یا دگرگونی و تحول که بار ارزشی چندانی ندارند استفاده شود. به‌عبارت روشن‌تر، گفته می‌شود که ما هر روز کامل‌تر می‌شویم؛ اما هرگز کامل نمی‌شویم!!! (۱). شاید این نوع اظهارنظر، برگردان دیدگاه‌های بعضی از فلاسفه بزرگ غرب مانند هگل و یاسپرس درباره انسان باشد که معتقدند انسان در صیروره دائم و همیشه در راه است. به گفته برخی از اندیشمندان، انسان یک ذات بالقوه است یعنی طبیعت و ماهیتی تحقق نایافته دارد و... وجودی است که باید «بشود» (۲).

از منظر بعضی دیدگاه‌ها مهم‌ترین مبانی الگوی پیشرفت در دنیای مدرن در سه مؤلفه انسان‌محوری، دنیامحوری، و علم‌محوری خلاصه می‌شود. این نوعی نگاه پوزیتیویستی حاکم بر الگوهای توسعه اجتماعی در غرب بوده است و طبیعتاً با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی و خلافت اللهی انسان است تفاوت‌هایی دارد(۳). در هر حال این نکته شاید در تحلیل الگوهای توسعه و اتخاذ رویکردهای واقع‌گرایانه‌تر، هدفمند و انسانی به ما کمک کند. چرا که به نظر می‌رسد الگوهای توسعه و فرایندها و سازوکارهای عملیاتی‌سازی آنها تاکنون به نوعی «توسعه کور» را تعقیب کرده‌اند چرا که انسان به عنوان یک کل به هم پیوسته و منسجم، هم در سطح فردی و هم در بعد اجتماعی در این دیدگاه‌ها غایب بوده است.

اولین بار که توسعه به عنوان ابزاری برای رتبه‌بندی کشورها شکل گرفت؛ خود را در قالب توسعه اقتصادی، مطرح کرد. افزایش ۵ تا ۷ درصدی تولید ناخالص ملی نشانه و شاخص توسعه تعیین شد(۴). ولی خیلی زود نارسایی این شاخص برای هدف یاد شده مشخص گردید (مثلاً درحالی‌که افزایش درآمد ملی کشورهای نفت‌خیز خاورمیانه در مقطعی از زمان به مراتب بیشتر از کشورهای پیشرفته اروپایی مانند سوییس بود؛ اما میزان مرگ‌ومیر نوزادان و مادران در این کشورها اصلاً قابل مقایسه نبود. این افزایش درآمد می‌توانست ناشی از تورم بین‌المللی و نه کار و تولید و اشتغال و بهره‌وری، باشد به اضافه اینکه صرف افزایش درآمد ملی نمی‌تواند از ساختار توزیع آن، عادلانه بودن یا نبودن، اطلاعاتی به دست دهد؛ لذا تجدیدنظر در معیارها و شاخص‌های توسعه ضروری به نظر می‌رسید. در اوایل دهه ۱۹۹۰ قرن گذشته، به همت آمارتیاسن و محبوب الحق، شاخص‌های متعدد توسعه برای رتبه‌بندی کشورها طرح وبه مورد اجرا گذاشته شد. این یک حرکت از نگاه یک‌بعدی به توسعه، به نگاه چندبعدی برای آن بود و در این نگاه جدید علاوه بر تولید ناخالص ملی، شاخص‌های پررنگ‌تری از سلامت و آموزش هم دیده می‌شد. این نگاه جدید با عنوان توسعه انسانی، محور گزارش‌های سالیانه سازمان ملل برای رتبه‌بندی کشورها در مسیر پیشرفت و توسعه و در مقایسه با هم، قرار گرفته است. شاخص‌های توسعه انسانی، به‌طور مرتب مورد بازبینی و حک و اصلاح قرار می‌گیرند و معمولاً در بازه‌های زمانی کوتاه بر تعداد آنها هم افزوده می‌شود. یک مقوله بسیار مهم که امروزه برای تکمیل شاخص‌های توسعه انسانی عنوان شده است، لحاظ کردن محیط زیست و رفتار سالم با آن در ابعاد مختلف است. توسعه انسانی با منظور کردن محیط زیست به «توسعه انسانی پایدار» تبدیل شده است. اما با وجود تعدد شاخص‌ها در این رویکرد، توسعه انسانی، عمدتاً در اندازه‌گیری شاخص‌ها به میانگین‌های کشوری تمرکز دارد و پاشنه آشیل آن به حساب می‌آید چرا که همانند توسعه اقتصادی، نه از توزیع و نه از نسبت‌ها و نه از ساختارها سخنی به میان نمی‌آورد. این انتقادها البته همانگونه که اشاره شد شامل توسعه اقتصادی هم می‌شد، به‌علاوه اینکه منبع توسعه اقتصادی و افزایش درآمد ملی می‌توانست همواره کار و تولید نباشد. افزایش قیمت نفت در مقاطعی از تاریخ، چنین نقدی را توجیه می‌کند.

با عنایت به برخی نارسایی‌ها در سنجش توسعه و ابعاد آن، دیدگاه‌های جدیدتری مطرح و به مورد اجرا گذاشته می‌شود. «شاخص‌های پیشرفت اجتماعی» که حرکت به سوی اهداف توسعه پایدار را تعقیب می‌کند و بر ستانده‌ها یا خروجی‌ها بیشتر از درون‌دادها تکیه می‌کند، «شاخص پیشرفت اصیل/ واقعی» که با تعدیلات اساسی در تولید ناخالص داخلی، با کسر بسیاری از چیزهای مضر که به‌هرحال فعالیت اقتصادی ایجاد می‌کند (مانند تصادفات خودرو و آلودگی هوا، آسیب‌های

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-06]

زیست‌محیطی و از دست دادن اوقات فراغت) و سپس افزودن ارزش کار بدون دستمزد (از جمله کارهای انسان‌دوستانه و داوطلبانه) محاسبه می‌شود، شکاف جهانی جنسیت، که با تکیه بر نسبت‌ها ی بین زن و مرد در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی، پیشرفت کشورها را برمبنای میزان کاهش نابرابری بین دوجنس در این عرصه‌ها محاسبه و سپس آنها را رتبه‌بندی می‌کند، و گزارش آن از سال ۲۰۰۶ به بعد توسط مجمع جهانی اقتصاد منتشر می‌شود، و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که ابعاد نظری آن تقریباً تکمیل و در مراحل آغازین پیاده‌سازی است، از آن‌جمله‌اند. گفتنی است که الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، بیش از هرچیز بر هویت دینی و ارزش‌های اسلامی در مسیر و اهداف توسعه تأکید دارد.

تحول در فرایند توسعه

با تأمل در ماهیت رویکردهای فوق‌الذکر به توسعه و با عنایت به ادبیات مربوط در این عرصه، می‌توان دریافت که این رویکردها در مجموع برای تعریف و تحلیل توسعه، از نگاه تک‌بعدی به چندبعدی، از تکیه بر منابع مادی به منابع انسانی، از پتانسیل فیزیکی و سخت‌افزاری به پتانسیل‌های نرم‌افزاری، از درون‌دادها به فرایندها و برون‌دادها، از عدم توازن به متوازن بودن، و از سطح محدود فردی و گروهی به اجتماعی و منطقه‌ای و جهانی، حرکت کرده‌اند.

تعاریف و نشانه‌های توسعه

از توسعه به لحاظ نظری و عملی تعاریف متعددی ارائه می‌شود. گاهی آن را در کاهش شکاف و فاصله، یا تضاد در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی، عنوان می‌کنند و میزان دستیابی به آن را با نسبت‌های موجود بین، مثلاً زن و مرد، در حیطه‌های اقتصادی مانند اشتغال و درآمد، یا آموزشی مانند حضور فعال در رشته‌ها و سطوح مختلف تحصیلی، یا سلامتی مانند امید زندگی و سال‌های سالم عمر، و یا سیاسی مانند حضور در پارلمان‌ها و شوراهای شهری و محلی، در پست نخست‌وزیری یا ریاست جمهوری و... می‌سنجند. گاه توسعه، تبدیل قوه به فعل تعریف می‌شود و با سنجه‌هایی مانند درصد اشتغال افراد در سن کار یا در سن تحصیل نسبت به کل جمعیت در این گروه سنی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. توسعه توسط بعضی از اندیشمندان، مشخصاً پوزیتیویست‌ها، در توسعه نظم متجلی می‌شود، و طراحان توسعه انسانی، افزایش قدرت انتخاب انسان را یکی از نشانگرهای تعیین‌کننده توسعه می‌دانند. آمارتیاسن از توسعه به مثابه آزادی بحث می‌کند و جان راولز هم که یکی از صاحب‌نظران عمده در بحث عدالت است، بر این باور است که عدالت از دل آزادی بر می‌خیزد. یادآوری نظریه این دو صاحب نظر به این دلیل است که اولین تعریف ارائه شده از توسعه، کاهش تضاد، به شدت با تعریفی از عدالت که کاهش فاصله‌ها را مورد تأکید قرار می‌دهد، همسویی و همبستگی دارد و شاید با وام‌گیری از آمارتیاسن بتوان از عدالت به مثابه توسعه هم صحبت کرد. نکته قابل ذکر اینکه تعاریف ارائه شده هرکدام وجهی از وجوه توسعه را پررنگ‌تر کرده‌اند که در طراحی برنامه‌های توسعه علاوه بر توجه به آنها به جامعیت توسعه و مهم‌تر از آن به متوازن بودن آن نیز باید توجه شود.

الگوهای پیشرفت و توسعه

سه الگوی کلان توسعه را به اختصار با توجه به ارزش‌های حاکم بر آنها و پیامدهای آنها شرح می‌دهیم:

۱. الگوی توسعه سرمایه‌داری

نقطه آغاز: انقلاب صنعتی

ویژگی‌ها: مقطعی و دوره‌ای و محلی

پیامدها: استعمار و استثمار - نژادپرستی – شکل‌گیری بعضی از شاخه‌های علوم اجتماعی مانند مردم‌شناسی به دنبال انقلاب صنعتی - مصرف‌گرایی افراطی/ و ولخرجی متظاهرانه (Conspicuous Consumption) و آغاز سلطه بر طبیعت و انسان‌ها و تخریب محیط زیست. فقط در استرالیا از ۱۷۸۸ تا ۱۹۹۰ بیش از دوسوم پوشش درختی بکر، ۷۵درصد جنگل‌های بارانی و ۱۶ گونه حیوانی پستاندار از بین رفته و صدها برابر در معرض تهدیداند. دیوید سوزوکی اعلام کرده است که با میزان مصرف کنونی ۸۰ درصد گونه‌ها در ۲۰۰ سال آینده به شدت در معرض تهدید و نابودی خواهند بود. این اظهارنظر مربوط به دهه آخر قرن گذشته است(۵) و طبیعتاً امروزه وضعیت بسیار متفاوت است. در منابع جدید بحران زیست‌محیطی ناشی از فعالیت انسان، بزرگ‌تر و فراگیرتر از تغییر آب و هواست. این بحران، فرسایش خاک، جنگل‌زدایی، شوری آب، اثرات شیمیایی آفت‌کش‌ها و حشره‌کش‌ها، زباله‌های شیمیایی سمی، نابودی گونه‌ها، اسیدی شدن اقیانوس‌ها، کاهش جمعیت ماهی‌ها، تخلیه هورمون در منابع آبی و انبوهی از اشکال دیگر تخریب و نابودی را در بر می‌گیرد. پیامدهای ناگوار زیست‌محیطی این الگوی توسعه که تا به امروز هم ادامه دارد به‌گونه‌ای است که بعضی‌ها گفته‌اند جنگل‌ها قبل از انسان و بیابان‌ها بعد از انسان شکل گرفته‌اند. ظاهراً انسان به عنوان یک گونه از حداقل ۳۰ میلیون گونه شناخته شده رفتار بسیار مخرب و تجاوزگرانه‌ای نسبت به دیگر گونه‌ها دارد و مثلاً به‌تنهایی ۴۰ درصد کل انرژی را مصرف می‌کند و در نتیجه سهم بسیار ناچیزی برای دیگر گونه‌ها باقی می‌گذارد و این نه تنها تخریب دیگر گونه‌ها بلکه در درازمدت تخریب خود او نیز هست. رشد جمعیت، هم در تعداد و هم در میزان مصرف سرانه به‌ویژه در کشورهای ثروتمند توسعه‌یافته نابرابرتر، یکی از عوامل مؤثر در این فرایند شناخته می‌شود. افزایش امید زندگی هم به‌خودی‌خود و در طول زمان، میزان مصرف و فشار بر منابع طبیعی را دامن می‌زند. علاوه بر این تأکید بر رشد اقتصادی مستمر در کشورهای توسعه یافته هم، یک عامل بسیارمهم در مصرف منابع به‌ویژه انرژی است(۶).

ارزش‌ها: فردگرایی- عقل (معاش)گرایی - مالکیت خصوصی - رقابت -

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-06]

بازار - آزادی - و غایت در نظر گرفته شده برای این الگوی توسعه، کـه در اندیشه‌های جرمی بنتام بازتاب یافتـه، «بیشـترین خیـر/ نیکبختـی بـرای بیشترین تعداد» است(۷).

۲. الگوی توسعه سوسیالیستی

سرآغاز: انقلاب اکتبر ۱۹۱۷. این الگو به عنوان یک الگوی رقیـب بـرای سرمایه‌داری و در تقابل با آن، با استفاده از آموزه‌های مارکس قدرت را در روسیه تزاری به دست گرفت.

ویژگی‌ها: برخلاف الگوی پیشـین، ایـن الگـو خـود را دارای یـک بنیـان تاریخی، جهان شمول و مبتنی بر فلسفه علمی می‌داند، و هدف غایی خود را ایجاد جامعه‌ای بدون بهره‌کشی و استثمار، حتی به نوعی بدون دولت به معنی متعارف کلمـه، کـه آن را همـواره نماینـده طبقـات حـاکم معرفـی می‌کند، می‌داند و به عبارت بهتر به نوعی یوتوپیای «جامعه آزاد انسان‌های آزاد»، به عنوان تعریفی از کمونیسم می‌اندیشد. به خاطر ماهیت پیشگویانه ایدئولوژی حاکم بر این الگو، و ویژگی یوتوپیایی آن، بعضی از اندیشمندان از مارکس پیامبر هم صحبت کرده‌اند(۸).

پیامدها: استبداد اولین و مستقیم‌ترین پیامد حاکمیت ایـن الگـوی توسـعه بود. البته در ایدئولوژی مارکسیستی هم به دیکتاتوری پرولتاریا اشـاره شـده است؛ اما برخی منتقدان بر این باور بودند که قـدرت حـاکم نـه دیکتـاتوری پرولتاریا؛ بلکه دیکتاتوری بر پرولتاریا را اعمال می‌کند(۹). مائو رهبر انقـلاب کمونیستی چین پس از اختلافی که با رهبران کرملین پیدا کرد گفتـه بـود که شما تزارها را برداشتید و خود تزاری دیگر شدید. بعضی‌ها هـم مشخصـاً از استالین، به کنایه، به عنوان تـزار سـرخ یـاد کـرده‌انـد. درهرحـال پیامـد بلافصل چنین شیوه‌ای، جامعه بسته و پلیسی‌ای بود کـه تعامـل سـازنده بـا دنیای پیرامون نداشت و جریان اطلاعات در آن به شدت تحت کنتـرل بـود. این الگو به شدت مادی‌گرا و کمیت‌گرا بـود و در رشـد تـک‌بعـدی و کمـی (عددی/ وزنی) دستاوردهای قابـل ملاحظـه‌ای داشـت و در مـواردی حتـی برتری بر الگوی رقیـب از خـود نشـان مـی‌داد. مـثلاً در تعـداد تخـت‌هـای بیمارستانی یا سرانه پزشک و پرستار به جمعیت و یا... اما آمار و ارقامی هـم که ارائه می‌داد چنـدان مـورد اعتمـاد کارشناسـان نبـود. فروپاشـی از درون پیامد نهایی این الگو بود. در اوایل دهه ۱۹۹۰ این الگو فرو پاشـید. زیـرا بـه گفته آلبرکامو(۱۰) «هیچ چیز بدی که استبداد مدعی مبـارزه بـا آن اسـت، بدتر از خود استبداد نیست».

ارزش‌ها: حزب و وابستگی حزبی، عمده‌ترین ارزش سیاسی و حاکمیتی در این الگو بود. حزب حاکم که تنها و بی‌رقیب هم بود، ظاهرا از همان آغاز بـه یک کاست و دژ نفوذناپذیر قدرت تبدیل شد و با استفاده از تهدیـد و تبعیـد و ترور پایه‌های خود را استحکام بخشید. مالکیت دولتـی ارزش ایـدئولوژیک دیگری بود که برای پرهیز از بهره‌کشـی و تـأمین عـدالت و پیشـگیری از از خود بیگانگی، تبلیغ و تقویت مـی‌شـد. پیامـدهای حاکمیـت ایـن ارزش در کاهش انگیزه برای کار و تولیـد، در آثـار بعضـی از نویسـندگان معـروف آن زمان هم کم‌وبیش بازتاب یافت(۱۱). اما قدرت مطلقه حزب، گوشی بـدهکار این حرف‌ها نداشت. جمع‌گرایی هم از مفاهیم و ارزش‌هـای مسـلط در ایـن الگو به حساب می‌آمد. در آغاز انقلاب، شعار «یکی بـرای همـه، همـه بـرای یکی» از شعارهای رهبران حزب بود؛ اما ظاهراً پـس از قـبض قـدرت، فقـط نیمه دوم این شعار، یعنی «همه برای یکی» در جامعه باقی ماند و بـه گفتـه بعضی جامعه‌شناسان، اصل تبدیل «نهضت» به «نظام» محقق شد(۱۲).

از عدالت اجتماعی به عنوان کانونی‌ترین ارزش این الگو می‌توان یـاد کـرد. از دیدگاه مارکس نبرد تاریخی طبقات اجتماعی در جوامـع انسـانی بـه ناچـار باید بر حاکمیت طبقه تحت ستم/ پرولتاریا، و شکل‌گیـری جامعـه بـی‌طبقـه، یعنی عادلانه و بدون بهره‌کشی بینجامـد؛ امـا در عمـل واقعـاً اینگونـه نبـود و اشرافیت حزبی و دیوان‌سالارانه به‌شدت رونق گرفته بود. بنا بـر بعضـی روایـات فقـط یـک قلـم از لـوکس‌گرایـی رهبـران اتحـاد شـوروی سـابق، کلکسـیون ماشین‌های رولزرویس متعلق به لئونید برژنف رهبر کارگران جهان بود.

توسعه دین‌محور

۳. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

نقطه آغاز: دهه ۱۳۹۰ هجری خورشیدی.

از آنجا که این الگو هنوز به‌طور کامل عملیاتی نشده است و در مراحل بسیار آغازین اجرایی شدن قرار دارد، براساس طراحی‌های انجام شـده بـه پیامدهای مورد انتظار می‌پردازیم:

پیامدهای مورد انتظار: عمده‌ترین پیامدهای منظور شده بـرای ایـن الگـوی توسعه، «پیشرفت در عرصه‌های تفکر، علم، زندگی، و معنویت» می‌باشد (۱۳).

ارزش‌ها: «وحـی‌گرایـی - کرامـت و آزادگـی انسـان - تـأمین معـاش - عدالت‌خواهی - اخلاق‌گرایی

پیشرفت در الگوی اسلامی ایرانی ارزش‌محور است و این تفـاوت اصـلی آن با دیگر مکتب‌های توسعه است. به بیانی دیگر، پیشرفت موردنظر اسـلام، پیشرفتی اخلاق‌بنیان و تربیـت‌محـور اسـت(۱۴) و یکـی از عناصـر کـانونی اخلاق اسلامی عدالت است.

گفته می‌شود که «در الگوی اسلام ایرانی پیشرفت، عـدالت پرهیـز از تبعیض است و پیشرفت مبتنی بر عدالت زمینه‌سـاز دسـتیابی بـه حیـات طیبه تلقی می‌شود». در این الگو عـدالت بـه عنـوان ارزشـی والا، نقشـی محوری ایفا می‌کند به نحوی که اگر «شاخص عدالت در این الگـو وجـود نداشته باشد، حقانیت و مشروعیت حکومت زیر سؤال می‌رود. عدالت معیار حق و باطل حکومت است». و «اگـر پیشـرفت همـراه بـا عـدالت نباشـد هیچگاه پیشرفت مورد نظر اسلام محقق نمی‌شود» (۱۳).

«در اسلام علاوه بر فرصت‌های برابر رشـد اقتصـادی مسـایلی ماننـد خمس، زکات، وقف، اطعام ایتام و ... وجود دارد» و این موجب می‌شود که نسبت پیشرفت و عدالت در الگوی توسعه اسلامی ایرانی با توسعه و عدالت

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-06]

در دیگر الگوها متفاوت باشد. درهرحال، از آنجا که عدالت در آیین اسلام به‌ویژه در مذهب شیعه جایگاه خاصی دارد، و امروزه هم در سطح جهان، در عرصه‌های مختلف و هم در ایران، و به‌طور اخص در سلامت، بسیار مطرح می‌شود، و دیدگاه‌های مخالف و موافق زیادی آن را به چالش می‌کشند، بهتر است اندکی روی آن تأمل کنیم.

ارسطو جزو اولین فیلسوفانی است که در آثار خود به‌ویژه در «اخلاق نیکوماخس» به تفصیل از عدالت بحث می‌کند. تعریف عدالت از دیدگاه ارسطو مبنی بر اینکه «هر چیزی در جای خود باشد» مورد پذیرش حکمای اسلامی هم هست و مولانای بزرگ هم در آثارش آن را بازتاب می‌دهد. این تعریف به همراه دو مفهوم کلیدی دیگر که در عدالت بسیار تعیین‌کننده‌اند، نیاز و شایستگی، در دیدگاه‌های جدید تحلیل و نقد می‌شوند. از نظر راولز آزادی‌های همگانی/عمومی، مانند آزادی سیاسی و بیان و... ، برای رسیدن به برابری و عدالت اولویت دارند(۱۵). به عبارت دیگر «هر فرد، در یک طرح بسنده آزادی‌های برابر پایه‌ای، دارای حقوقی برابر است، که با طرحی مشابه آزادی‌های همگانی انطباق دارد»(۱۶). نابرابری زمانی از دیدگاه راولز توجیه‌پذیر می‌شود که برای مصالح همگان سازمان یافته و متضمن بیشترین سودمندی برای محروم‌ترین اعضای جامعه باشد. این ویژگی، بخشی از «اصل تفاوت» در دیدگاه راولز نسبت به موضوع عدالت است(۱۷). این بخش از نظر راولز بسیار شبیه دیدگاهی است که در حقوق رم قدیم مورد تأکید بود به این معنی که گفته می‌شد برای رعایت عدالت به هر کس به میزانی که شایسته است داده شود به شرط آنکه مخالف مصالح جمع نباشد. شایستگی نه تنها در رابطه با تعارض احتمالی منافع فرد و جامعه، بلکه با توجه به شیوه سنجش و ارزیابی آن که نیازمند داده‌های به‌روز و کلان، و نوعی اقتدار مرکزی برای توزیع موهبت‌های اجتماعی براساس شایستگی است، نیز مورد نقد قرار گرفته است. نیاز هم مانند شایستگی از معضلاتی مشابه رنج می‌برد. «به هرکس به اندازه نیازش و از هرکس به اندازه توانش» شعاری بود که سوسیالیست‌های آرمان‌گرا خیلی زود و آسان آن را کنار گذاشتند؛ اما اقتدار مرکزی شکل گرفته در راستای محقق ساختن این آرمان، جامعه را از دستاورد تاریخی انسان، یعنی آزادی، تهی کرد. زیرا جامعه را به سازمان تبدیل کرد و تبدیل جامعه به سازمان جز نابودی بازارهای خودجوش، نوآوری و رقابت، و از بین رفتن آزادی دستاوردی ندارد. این نقدها راهایک (Hayek) در رابطه با عدالت ارسطویی و مارکسی طرح می‌کند(۱۸). راولز اما معتقد است که آزادی متضمن برابری و عدالت نیز هست و عدالت از درون آزادی سر بر می‌آورد. در اهمیت آزادی به عنوان یک ارزش برتر، حتی بعضی‌ها گفته‌اند که اگر دولت چین به آزادی بیان بها می‌داد و دکتر لی ون لیانگ را که اولین بار همه‌گیری در حال گسترش کرونا ویروس را متوجه شده بود سانسور نمی‌کرد، هیچ بحران کروناویروسی در جهان اتفاق نمی افتاد... و این نشان می‌دهد که نمی‌توان به عدم رعایت حقوق بشر در چین بی‌اعتنا بود(۱۹). درهرحال توجه به درهم تنیدگی ارزش‌ها در شکل‌گیری فعالیت‌های ناظر به توسعه اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. به نظر می‌رسد که از توجه به «عدالت به مثابه توسعه»، به‌ویژه در عرصه سلامت و دیگر کالاهای عمومی نظیر امنیت، محیط زیست و... گریزی نیست چرا که پیامدهای بی‌عدالتی بسیار سنگین و ویرانگر است.

بحث و نتیجه گیری

پیامدهای نابرابری

آمارتیاسن در مقدمه‌ای که بر کتاب «مانیفستی برای پیشرفت اجتماعی: ایده‌هایی برای یک جامعه برتر» نوشته است، از بنیان‌های نظری توسعه سرمایه‌داری و درک غلط از دیدگاه پیشروان اقتصاد کلاسیک/ سرمایه‌داری سخن می‌گوید. به نظر او مانیفست کمونیست مارکس تاریخ را سراسر در مبارزه طبقاتی/ بی‌عدالتی خلاصه می‌کند؛ اما پیام اصلی مانیفست پیشرفت اجتماعی این است که عدالت قطعاً قابل حصول و قابل پروراندن است و پیشرفت اجتماعی به‌طور اساسی در ترکیب و همراهی چشم‌اندازی سازنده با تغییرات به درستی اندیشیده شده در نهادها و قراردادها قابلیت حصول دارد(۲۰). علاوه بر آمارتیاسن، ریچارد ویلکینسون و همکارش کیت پیکت، در تالیفات مبسوط‌شان عدالت را بستری برای سلامت اجتماعی و کاهش آسیب‌ها در سطح همه جوامع در جهان، مطرح و با استناد به داده‌های بسیار قابل اتکاء نقش آن را در ارتقای بهروزی انسان‌ها به رخ می‌کشند. از دیدگاه این‌ها عدالت هم استرس را کاهش می‌دهد و هم سلامت را محفوظ می‌دارد و هم به ارتقای بهروزی همه، نه فقط طبقات فقیر، کمک می‌کند(۲۱).

هم دیدگاه آمارتیاسن، هم ویلکینسون، دیدگاهی انتقادی به سرمایه‌داری به شکل کنونی آن است. از نظر آمارتیاسن اقتصاد بازار لازم اما برای یک جامعه انسانی که شأن انسان و انصاف و عدالت را از یکسو و ثبات و استحکام را از سویی دیگر تضمین کند ناکافی است. او معتقد است که سرمایه‌داری معاصر فراتر از اقتصاد بازار و بهره‌برداری از قوانین آن می‌رود. آدام اسمیت پدر اقتصاد کلاسیک، استاد اخلاق بود. اقتصاد بازار را مورد نیاز می‌دانست؛ اما در شرایط طبیعی، و همچنین برای سازماندهی نهادهایی که فعالیت‌های ضدتولید بازار (ولخرجی و اسراف‌گری) را مانع شود و به دولت فرصت دهد که کارهایی را انجام دهد که فقط دولت می‌تواند به بهترین شکل انجام دهد. و اضافه می‌کند که اگر یک چنین توازنی در قرن ۱۸، در سپیده‌دم سرمایه‌داری مدرن، لازم بود، در دنیای پیشرفته بسیار ناعادلانه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم قطعا بسیار حیاتی است. چنین تحلیلی ما را به این نتیجه رهنمون می‌کند که برای پیشرفت همه‌جانبه و متوازن، بین دو مقوله حیاتی «عدالت و رقابت» و حوزه‌های تحت پوشش آنها، یعنی دولت و بازار تمایز قایل شویم.

ویلکینسون هم بر این باور است که تضاد فزاینده بین کامیابی‌های مادی جوامع توسعه‌یافته و ناکامی‌های اجتماعی آنها - توسعه نامتوازن -

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-06]

اساساً با نابرابری‌های گسترده تبیین می‌شوند. او هم بازار را سیستمی حیاتی؛ اما نیازمند تجدید ساختار در جهت و مسیر توسعه می‌داند و اعلام می‌کند که وقتی ۴۰ درصد کودکان آمریکایی در خط فقر یا نزدیک به آن زندگی می‌کنند قطعاً یک جای کار باید بلنگد. از نقطه نظر او اقتصاد از وسیله به هدف تغییر جایگاه داده است. امروزه دیگر اقتصاد به خاطر خدمت به انسانیت نیست؛ بلکه ما برای خدمت به اقتصاد وجود داریم. و این یعنی از خود بیگانگی و خارج شدن از ریل و رشد نابرابری و شیب‌های تند اجتماعی. پیامدهای چنین ساختارهایی گسترش انواع بیماری‌ها و آسیب‌های اجتماعی است. مثلاً افزایش فشارخون همبسته با سالمندی در کشورهای توسعه‌یافته نابرابر، بسیار طبیعی تلقی می‌شود! اما در جوامع قبیله‌ای بدون نابرابری منزلتی و سلسله‌مراتبی، چنین پدیده‌ای وجود ندارد. یا افسردگی مرتبط با نابرابری (برآمده از داده‌های ۸۰،۰۰۰ نفر در ۹۳ کشور و از یک پژوهش دیگر در ۴۵ ایالت آمریکا)، که در کشورهای برابرتر دیده نمی‌شود. شواهد ارائه شده در کتاب‌های ویلکینسون نشان می‌دهد که **نابرابری مخصوصاً از نوع اقتصادی آن - شکاف‌های درآمدی وسیع بین ثروتمندان و تنگدستان - به همه ما آسیب می‌رساند**. او می‌نویسد که تقریباً هر روز گزارش‌های تازه‌ای از افزایش بیماری‌های روانی، تیراندازی‌ها در مدارس، افسردگی و خودزنی Self-harm را شاهد هستیم. رشد اقتصادی در حمایت و حفاظت مردم از انباشت بارهای استرس، اضطراب و بیمارهای روانی در جوامع ما ناکام مانده است. ما نشان می‌دهیم که تضاد فزاینده بین کامیابی‌های مادی جوامع توسعه‌یافته و ناکامی‌های اجتماعی آنها اساساً با نابرابری‌های گسترده تبیین می‌شوند. اخیرا هم پیاده کردن مریخ نورد در کره مریخ و همزمان بحران شدید آب و هوایی در تگزاس به خاطر برف و توفان و سیلاب و...به نوعی این نگاه را تأیید کرد. سال‌ها پیش هم شاعر پرآوازه سرزمین ما زنده یاد مهدی اخوان ثالث با بیان زیبای «برگذشته از مدار ماه، لیک بس دور از قرار مهر»، در منظومه آخر شاهنامه، تضاد توسعه مادی و عقب‌ماندگی اجتماعی و انسانی روزگار ما را به تصویر کشیده است(۲۲).

درهرحال، بررسی آمار و ارقام جمع آوری شده توسط سازمان جهانی بهداشت (WHO) برای ارائه مبنایی برای مقایسه‌های بین‌المللی نشان می‌دهد کشورهای ثروتمندتر به گونه بسیار جدی‌تری میزان بیماری‌های روانی بیشتری را در مقایسه با کشورهای فقیر تجربه می‌کنند. مطالعات سازمان جهانی بهداشت که در سال‌های آغازین این قرن عملیاتی شدند به این نتیجه دست یافتند که شیوع هرگونه اختلال روان در طول عمر، ۵۵ درصد در ایالات متحده، ۴۹ درصد در نیوزیلند، ۳۳ درصد در آلمان، ۴۳ درصد در هلند، اما ۲۰ درصد در نیجریه و ۱۸ درصد در چین بود. نتیجه مطالعات ویلکینسون این بود که میزان بیماری‌های روان و مرگ‌ومیر نوزادان دو تا سه برابر در کشورهای توسعه‌یافته نابرابرتر در مقایسه با کشورهای برابرتر بیشتر است. میزان فرزندآوری نوجوانان، درصد جمعیت زندانی و مطابق بعضی تحلیل‌ها، میزان قتل و آدم‌کشی در کشورهای نابرابرتر تا ده برابر بالاتر بودند. واقعیت این است که رشد اقتصادی و افزایش مستمر تولید ناخالص داخلی همواره به‌طور مستمر به افزایش رفاه و بهروزی جوامع منجر نمی‌شود. این یعنی پایان نقش افزایش تولید ناخالص داخلی در رفاه جامعه. یعنی ضرورت توجه به قانون بازده نزولی. یعنی آغاز توسعه اجتماعی و توجه به توزیع و تخصیص دقیق و عادلانه منابع و موهبت‌های اجتماعی، البته با در نظر گرفتن سطح توسعه جامعه. منظور این است که کشورهای در حال توسعه برای افزایش سطح رفاه خود می‌توانند به افزایش تولید ناخالص داخلی تکیه کنند؛ اما پس از رسیدن به سطح مشخصی از رفاه، دیگر افزایش تولید ناخالص داخلی نمی‌تواند موجب افزایش سطح بهروزی شود و باید رویکرد جدیدی جایگزین آن شود. با عنایت به چنین تحول فرایندی در توسعه است که تیم جکسن استاد اقتصاد بوم‌شناسی دانشگاه سوروی می‌گوید که وظیفه ما ارتقای بهروزی و آسایش بدون رشد است. ژیژک هم دیدگاهی مشابه در رابطه با بحران کرونا عرضه می‌کند و می‌گوید «باید بیاموزیم در خارج از مختصات بازار سهام و سود فکر کنیم».

علاوه بر آسیب‌های فوق، نابرابری طرز تفکر افراد در باره دیگران را تغییر می‌دهد و مهم‌تر از آن به تندروی‌ها و گرایش‌های افراطی دامن زده و آنها را تقویت می‌کند. ویلکینسون حداقل چهار نوع از این گرایش‌های افراطی در رفتارهای اجتماعی را مطرح می‌کند که به آسانی می‌تواند در پیرامون ما هم قابل مشاهده باشد. Alcoholic، workaholic، Sexaholic، Shopaholic

واقعیت این است که نابرابری گرایش‌های خودشیفته‌وار را نیزتقویت می‌کند و این می‌تواند اختلالی بزرگ در بستر روابط اجتماعی بین انسان‌ها، و حتی در بعضی موارد در سطح بین‌الملل، ایجاد کند. نقش شخصیت خودشیفته ترامپ را نمی‌توان چه در بحران داخلی آمریکا و اشغال کنگره و... و چه در تقویت تنش‌های سیاسی اقتصادی در سطح جهان، انکار کرد. همتای انگلیسی او، بوریس جانسون که به شدت طرفدار نابرابری است برای مدیریت بحران کرونا، «سه فرد آگاه» را مسئول انتخاب تخت و بیمار برای دریافت خدمات در بریتانیا کرد که به نوعی داروینیسم تعبیر شد. ژیژک در انتقاد از این رویکرد می‌گویدکه این یک استراتژی مشابه استراتژی‌های نازی‌هاست که می‌گفتند «برای تقویت و جوان‌سازی ملت‌مان اجازه دهید پیرها و ضعیفان بمیرند» و همان‌گونه که گزارش‌ها و خبرها نیز بازتاب دادند مرگ‌ومیر ناشی از کرونا در جمع سالمندان مقیم خانه‌های سالمندان بریتانیا بسیار چشمگیر بود». به دنبال این ژیژک نتیجه می‌گیرد که «آیا چنین اصول و رویه‌هایی نشان نمی‌دهد که ما آماده هستیم وحشیانه‌ترین منطق بقای اصلح را تصویب کنیم؟ بنابراین دوباره به انتخابی که در مقابل ماست بازمی‌گردیم: **بربریسم یا نوعی کمونیسم بازاندیشی شده؟**». فراموش نکنیم که ترامپ و جانسون نمایندگان دو کشور ثروتمند توسعه‌یافته؛ اما با نابرابری بسیار هستند.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-06]

سازوکارهای متعددی برای ارتقای بهروزی جوامع طراحی شده است؛ اما یکی از مهم‌ترین آنها دموکراتیزه کردن محیط کار و ایجاد فضایی است که ضرورت احساس با ارزش بودن و نقش مشارکتی داشتن در محیط کار را القا کند. از آنجا که زمان قابل ملاحظه‌ای از زندگی هر فرد در محیط کار می‌گذرد و روابط فشرده، مستمر، و رو در رو در محیط کار حاکمیت دارد، تغییر فضای محیط کار و انسانی‌تر کردن آن می‌تواند نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در ارتقای کیفیت زندگی داشته باشد. در اهمیت نقش کار در تکامل انسان و شکل‌گیری اجتماعات مدرن اندیشمندان معروفی از جمله مارکس و دورکیم سخن گفته‌اند و بعضی نویسندگان و هنرمندان هم تأثیر مثبت آن رادر کیفیت زندگی و روابط عاطفی و احساسی بیان کرده‌اند. «کار شما را آزاد می‌سازد» عنوان رمانی است که توسط یک زبان‌شناس آلمانی در نیمه دوم قرن ۱۹ نوشته شده و در آن قماربازان و شیادان از طریق کار راهی برای بازگشت به زندگی سالم و پرهیزکارانه پیدا می‌کنند(۱۹). متأسفانه این عنوان در اردوگاه آشویتس هم برای بیگاری اسیران مورد استفاده قرار گرفت. درهرحال مشارکت کارکنان در بنگاه‌ها و سازمان‌ها، چه در قالب عضویت در کانون‌های تصمیم‌گیری و چه در قالب صاحبان سهام و...، نشان داده است که موجب افزایش برابری بوده است. بررسی‌ها هم نشان داده‌اند که با افزایش قدرت اتحادیه‌ها - به عنوان کانون‌های دفاع از حقوق کارکنان - در ایالات متحده، نابرابری کاهش می‌یابد و سپس مجدداً با تضعیف قدرت اتحادیه‌ها رو به افزایش می‌گذارد(۶).

در نهایت مطابق برخی مطالعات، روان‌شناسی تکاملی انسان نیز نشان از تمایل کم‌وبیش ذاتی انسان به برابری و تعادل دارد. در یک پروژه پژوهشی آمریکایی، به مردم کردارهایی، بدون عنوان و ذکر نام کشور، از توزیع ثروت در سوئد و ایالات متحده نشان داده شد. حدود ۹۰ درصد پاسخگویان، توزیع عادلانه‌تر سوئد را بر نظیر آمریکایی‌اش ترجیح دادند. نکته جالب اینکه، این نسبت به سختی بین جمهوری‌خواه و دموکرات، بین ثروتمند و فقیر، یا بین زن و مرد تفاوت پیدا می‌کرد.

Perspective

Basis and Concepts of Social Progress

Abolghasem Pourreza[1*]

1. ***Corresponding Author:** Department of Health Education and Promotion Tehran University of Medical Sciences, School of Public Health, abolghasemp@yahoo.com

Abstract

Background: Development is a tool for competition between countries and their ranking according to international criteria. Different perspectives exist in this area, which the most important models are: the Capitalist, Socialist, and Iranic-Islamic. An overview of the concepts and the foundations of development may help clarify the manner our society wants to obtain and provide needed facilities.

Methods: A comprehensive literature review with regard to basic concepts, definitions, values and socio-economic consequences of development models was conducted. National and international books and articles were reviewed analytically.

Results: There are several theoretical and practical definitions for development. It sometimes refers to reducing gaps, transforming potentials to reality, or enforcing regularities and expanding appropriate structures. The first model of development, Capitalist, was formed during the industrial revolution, and resulted in conspicuous consumerism, domination, destruction and abuse of natural environment, colonialism and slavery. The second model, socialist, was structured in Revolution of October 1917. Despotism was the immediate and most direct consequence. The Iranic-islamic development model was designed in early 2011. Supposedly the main expected consequences for this model are "improvement in the fields of thought, science, life, and spirituality."

Conclusion: There are several mechanisms designed for promoting the well-being of communities. One of the most important of them is democratization of the workplace and creation of an atmosphere in which everybody feels worthy, valuable and performs a participatory role in the workplace. More equitable distribution of socio-economic advantages not only increase the social trust and well-being indices, but also prevent many social pathologies.

Keywords: Social Change, Social Planning

منابع

1. Arendt H. On Violence & Thoughts on Politics and Revolution, Translated by Ezzatollah Fouladvand. Kharazmi Publications; 1398
2. Shojaee zand A. Development and Ideal Community, Transcendental Politics Quarterly. 1396; 5(16).
3. Ghorbani G. The God-representative status of Human and Islamic Modelof Progress , Transcendental Politics Quarterly. 1396; 5(16).
4. Todaroo M, Economic Development of the Third World, translated by Gholamali Farjadi. Koohsar Publication; 1391.
5. Bell R, Hall R. Impacts. Australia; Macarthur Press; 1991
6. Wilkinson R, Kate P. the Inner Level, Penguin; 2019.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-06]

7. Marc J. Roberts et al. Getting Health Reform Right, Amazon book club
8. Joseph A. Schumpeter, Capitalism, Socialism and Democracy, translated by Hassan Mansour Tehran University, 1354
9. Aron R, Main Currents in Sociological Thought, translated by Bagher Parham, Jibi Publications; 1352.
10. Camus A.Bread and Freedom, compiled and translated by Mostafa Rahimi. Artist and His Time, Nil Publications; 1353.
11. Sholokhov M. Virgin Soil Upturned, translated by M. A. Behaazin, Nil Publications; 1359.
12. Shariati A. Tashayyo Alavi and Tashayyo Safavi, Hosseinieh Ershad Publications;1351.
13. Jaafarinejad M, Shoeib B. The status of Justice in Islamic-Iranic ModeL
14. Rahimi H, Hosseini S. F. Comparison Principles of Humanistic Development in the Teachings of Islam and Liberal Democracy, Transcendental Politics Quarterly. 1396; 5(16).
15. Rawls J. Justice as Fairness, translated by Erfan Sabeti. gognous publication; 1385. of Progress and in Liberal Development Model, two Quarterly of Islamic Sciences Research Centre of Emam Sadeq. 1396; 5(11).
16. Sen A. The Idea of Justice, Translated by; V. Mahmoudi and H. Homayounpour. Kandokav Publications; 1392
17. Walzer M, Spheres of Justice: a defense of pluralism and equality, Translated by Saleh Najafi. Sales Publications; 1389
18. Ghaninejad M. Justice, Social Justice, and Economics, Social Security Quarterly 2000; 2(3).
19. Slavoj, zizaek, 2020. Panic; Covid 19 Shakes the World, translated by; shahriar paknia, published by Naghde Farhang, 1399
20. Marc F. A Manifesto for Social Progress: Ideas for a Better Society. Cambridge; 2019
21. Wilkinson R, Pickett K. Spirit Level, Translated by Shirin Ahmadnia and Abolghsem Pourreza. Samt Publications: 1397.
22. Akhavan sales M. Aakhare Shahname. Zemestan Publications; 1390

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-06]